

[مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی 1](#_Toc88324968)

[دلیل کلام مشهور مبنی بر تعین رکوع جلوسی 2](#_Toc88324969)

[جواب از اشکال معارضه ادله وجوب قیام با رکوع 2](#_Toc88324970)

[توضیح فرمایشات محقق سیستانی مبنی بر تعین قیام و ایماء به رکوع 2](#_Toc88324971)

[مناقشه در فرمایش محقق سیستانی 4](#_Toc88324972)

[تتمه مسئله 16: ایماء به رکوع در حال قیام و ایماء به سجود در حال جلوس 6](#_Toc88324973)

[بررسی کلام محقق یزدی 7](#_Toc88324974)

[مسئله 17: دوران بین نماز قیامی با ایماء و نماز جلوسی 8](#_Toc88324975)

**موضوع**: دوران امر بین رکوع ایمایی و جلوسی /قیام /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله 16 مبنی بر دوران امر بین رکوع ایمایی در حال قیام و رکوع جلوسی مطرح گردید که در آن دو قول مطرح گشت. قول اول قول مشهور مبنی بر تعین جلوس و رکوع جلوسی بود. قول دوم کلام غیر مشهور مثل محقق سیستانی که قائل به تعین قیام شده بودند. در این جلسه به ادامه آن مسئله پرداخته می شود.

# مسئله 16: دوران أمر بین رکوع ایمائی در حال قیام، یا رکوع جلوسی

سید می فرماید:

«إذا تمكن من القيام لكن لم يتمكن من الركوع قائما جلس و ركع جالسا و إن لم يتمكن من الركوع و السجود صلى قائما و أومأ للركوع و السجود....»[[1]](#footnote-1)

بحث در مسئله 16 بود که سید فرمودند اگر کسی در حین نماز، عاجز از رکوع قیامی باشد، یا باید رکوع عن جلوس به جا آورد یا اینکه در حال قیام، ایماء به رکوع کند. در این صورت رکوع عن جلوس تعین دارد. محقق خویی در مسئله 2 از مسائل رکوع این فرمایش را اشتباه می دانند و می فرمایند وظیفه شخص ایماء به رکوع است. گرچه خود ایشان در این مسئله 16 با فتوای محقق یزدی موافقت کرده بودند. محقق سیستانی در همین مسئله 16 مخالفت کرده اند و وظیفه را ایماء به رکوع در حال قیام دانسته اند.

## دلیل کلام مشهور مبنی بر تعین رکوع جلوسی

دلیل مشهور از جمله سید یزدی بر لزوم رکوع جلوسی واضح است که اطلاق ﴿یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا﴾[[2]](#footnote-2)امر به رکوع اختیاری عرفی می کند که این رکوع در درجه اول رکوع عن قیام است و در درجه دوم رکوع جلوسی است و ایماء به رکوع، رکوع عرفی نیست، بلکه در درجه سوم قرار دارد. ایماء به رکوع وظیفه عاجز از رکوع عرفی است. به نظر ما نیز این استدلال تمام است و وجهی ندارد که گفته شود امر به رکوع در آیات و روایات ظاهر در أعم از رکوع عرفی یا ایمائی است. آیه ﴿یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا﴾[[3]](#footnote-3)ظهور در رکوع حقیقی دارد و تفسیر به رکوع در نماز نیز در روایات شده است.

### جواب از اشکال معارضه ادله وجوب قیام با رکوع

بلی، ممکن است ادعا شود که این ادله با ادله اذا قوی فلیقم تعارض داشته باشند. جواب این مطلب این است که ما به کدام روایت می خواهیم تمسک کنیم که بگوید شما در حال رکوع ولو عاجز از رکوع قیامی هستید، وظیفه قیام دارید؟ کسی که در حال رکوع عاجز از رکوع قیامی است، أمرش دائر بین رکوع جلوسی و ایماء به رکوع در حال قیام است، کدام روایت گفته است که وظیفه شخص در این حال قیام است؟ چنین دلیلی یافت نمی شود؛ از این رو به نظر می رسد که جای این شبهه نیست و نظر مشهور درست است. نیاز به احتیاط نیز کما اینکه شهید صدر قائل شده اند، نیست.

### توضیح فرمایشات محقق سیستانی مبنی بر تعین قیام و ایماء به رکوع

برای روشن شدن مطلب، فرمایش محقق سیستانی را در تقویت اینکه وظیفه شخص ایماء به رکوع است، کامل نقل می کنیم. ایشان فرموده اند که ما از روایاتی که در نماز در سفینۀ وارد شده است، استفاده می کنیم که نماز ایستاده ولو به شکل ایمائی مقدم بر نماز جلوسی است. به عنوان مثال، صحیحه معاویۀ بن عمار چنین بود:

«وَ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنِ‌ اَلْحُسَيْنِ‌ بْنِ‌ سَعِيدٍ عَنْ‌ فَضَالَةَ‌ عَنْ‌ مُعَاوِيَةَ‌ بْنِ‌ عَمَّارٍ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ الصَّلاَةِ‌ فِي السَّفِينَةِ‌ قَالَ‌ تَسْتَقْبِلُ‌ الْقِبْلَةَ‌ بِوَجْهِكَ‌ ثُمَّ‌ تُصَلِّي كَيْفَ‌ دَارَتْ‌ تُصَلِّي قَائِماً فَإِنْ‌ لَمْ‌ تَسْتَطِعْ‌ فَجَالِساً يَجْمَعُ‌ الصَّلاَةَ‌ فِيهَا إِنْ‌ أَرَادَ وَ يُصَلِّي عَلَى الْقِيرِ وَ الْقُفْرِ وَ يَسْجُدُ عَلَيْهِ‌»[[4]](#footnote-4)

یا صحیحه حماد چنین بود:

« مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ‌ عِيسَى قَالَ‌: سَمِعْتُ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ يُسْأَلُ‌ عَنِ‌ الصَّلاَةِ‌ فِي السَّفِينَةِ‌ فَيَقُولُ‌ «إِنِ‌ اسْتَطَعْتُمْ‌ أَنْ‌ تَخْرُجُوا إِلَى الْجَدَدِ فَاخْرُجُوا وَ إِنْ‌ لَمْ‌ تَقْدِرُوا فَصَلُّوا قِيَاماً وَ إِنْ‌ لَمْ‌ تَسْتَطِيعُوا فَصَلُّوا قُعُوداً وَ تَحَرَّوُا الْقِبْلَةَ‌»[[5]](#footnote-5)

صحیحه علی بن یقطین نیز چنین بود:

«أَحْمَدُ بْنُ‌ مُحَمَّدٍ عَنِ‌ اَلْحَسَنِ‌ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ يَقْطِينٍ‌ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ الْحُسَيْنِ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ يَقْطِينٍ‌ عَنْ‌ أَبِي الْحَسَنِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ السَّفِينَةِ‌ لَمْ‌ يَقْدِرْ صَاحِبُهَا عَلَى الْقِيَامِ‌ أَ يُصَلِّي وَ هُوَ جَالِسٌ‌ يُومِئُ‌ أَوْ يَسْجُدُ قَالَ‌ «يَقُومُ‌ وَ إِنْ‌ حَنَى ظَهْرَهُ‌ ».[[6]](#footnote-6)

ایشان فرموده اند که روایت علی بن یقطین واضح ترین روایت در مقام است. می فرماید شخص باید بایستد ولو اینکه پشت او منحنی شود، شامل موردی می شود که شخص قادر بر رکوع عن قیام نیست، یعنی کسی که یا باید ایماء به رکوع کند یا اینکه باید بنشیند، مشمول این روایت می شود و می توان حکم به وجوب قیام کرد. در نظر ایشان، متعارف از نماز در سفینه این است که انسان از رکوع اختیاری عاجز می شود؛ از این رو در صحیحه ابن ابی عمیر آمده است که «الصلاۀ فی السفینۀ ایماء»[[7]](#footnote-7)؛ چرا که متعارف در نماز در کشتی این است که انسان قادر بر رکوع اختیاری نیست. در عین حال امام علیه السلام فرموده اند که اگر می توانید بایستید و نماز بخوانید. یعنی ولو متمکن ازرکوع از قیامی نیستید، باز بایستید و ایماء به رکوع کنید. ایشان فرموده اند این روایات، روایاتی هستند که در مقام افتاء صادر شده اند و وظیفه فعلیه را به مردم بیان می کنند و قابل تقیید نیستند که اگر قادر بر رکوع قیامی هستید، قیاما نماز بخوانید و در غیر اینصورت قیاما نماز نخوانید.

سپس فرموده اند که گفته نشود شخصی که نمازش ایستاده و رکوعش عن جلوس است، مصداق نماز قیامی است و با ادله رعایت قیام منافات ندارد؛ چرا که در روایات متعدده نماز قیامی تحدید شده است به نمازی که رکوع آن ناشی از قیام باشد. در روایت آمده است اگر کسی بنشیند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را نشسته بخواند، برای رکوع برخیزد، قیام کند و بعد به رکوع برود، فذلک صلاۀ القائم. این تعبیر هم در صحیحه زرارۀ و هم در صحیحه حماد آمده است:

«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَدْ يَشْتَدُّ عَلَيَّ الْقِيَامُ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُدْرِكَ صَلَاةَ الْقَائِمِ فَاقْرَأْ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَإِذَا بَقِيَ مِنَ السُّورَةِ آيَتَانِ فَقُمْ فَأَتِمَّ مَا بَقِيَ وَ ارْكَعْ وَ اسْجُدْ فَذَلِكَ صَلَاةُ الْقَائِمِ»[[8]](#footnote-8)

بنابراین نماز ایستاده این است که قبل از رکوع، قیام شود و رکوع از قیام باشد، حال چگونه می توان گفت شخصی که برای رکوع می نشیند و رکوع جلوسی می کند، قیام در نماز را رعایت کرده و نماز او ایستاده است؟ طبق این روایات نماز وی نشسته است و طبق این روایات نماز نشسته در درجه دوم است و در جایی است که شما عاجز از نماز ایستاده باشید و نماز ایستاده اطلاق دارد و شامل جایی که ایماء به رکوع شود نیز می شود. شخص باید در هر حال ایستاده بخواند، حال اگر می تواند رکوع کند باید انجام دهد و اگر نمی تواند، باید ایماء به رکوع کند و نباید به جلوس برود.

#### مناقشه در فرمایش محقق سیستانی

این استدلال به نظر ما تمام نیست؛ اینکه ایشان فرموده اند که روایات در نماز در کشتی فرموده اند تا می توانید بایستید و نماز بخوانید، یا صحیحه علی بن یقطین که حکم به قیام ولو با انحنای ظهر کرد، اینکه گفته شود این روایات اطلاق دارد و شامل ایماء به رکوع نیز می شود، تمام نیست؛ چرا که اطلاق گیری از این روایات عرفی نیست. علاوه بر اینکه به قول محقق همدانی انصراف به نماز ایستاده ای دارد که با رکوع و سجود اختیاری است.

اصرار محقق سیستانی بر اینکه نمازی که موقع رکوع مجبور شویم بنشینیم، نماز ایستاده نیست؛ به نظر ما ناتمام است. به نظر ما این نماز نیز ایستاده است و فقط رکوع آن جلوسی است. چرا باید این نماز ایستاده نباشد؟ به چه دلیل در این حال لازم باشد که شخص در حال رکوع ایستاده باشد، در حالی که نمی تواند رکوع عن قیام کند؟ خطاب یا ایها الذین آمنوا رکعوا می گوید تا زمانی که قادر بر رکوع عن قیام هستید، نباید رکوع جلوسی به جا آورید. روایاتی که ایشان مطرح کرده اند که فذلک صلاۀ القائم تعبدی در نماز نافله است. می گوید کسی که بنشیند در اول نماز و موقع رکوع برخیزد و سپس به رکوع برود، این نماز را تعبدا و تنزیلا ایستاده حساب می کنیم ولی کسی که از اول ایستاده است، اگر رکوع جلوسی کند، نماز نشسته نیست. چرا که این روایت مفهوم ندارد. این روایت در صدد توسعه است و در صدد تضییق نیست. این روایات می گوید که نماز ایستاده ثوابش دو برابر نشسته است، حال اگر کسی سختش است، بنشیند و بخواند و چند آیه که مانده بود بایستد و قیام کند و بعد به رکوع برود، این نماز نماز قائم است یعنی توسعه در صلاۀ قائم داده است و مفهوم ندارد که اگر شما در حالی که عاجز از رکوع از قیام هستید، این دیگر نماز ایستاده نیست. به نظر ما این روایت چنین ظهوری ندارد. علاوه بر اینکه حال که نماز ایستاده نیست، برفرض عرف نماز ایستاده نداند، روایاتی که ایشان مطرح کردند ظهور در اینکه نماز ایستاده ولو به شکل ایمائی باشد بر نماز جلوسی مقدم است، ندارد. مخصوصا اینکه شخص تا قبل از رکوع هیچ مشکلی ندارد و فقط موقع رکوع می خواهد بلند شود و رکوع را به جا آورد. انصافا مطلب ایشان عرفی نیست.

استفاده ای که ایشان از صحیحه علی بن یقطین کرد که شامل فرضی می شود که قادر بر ایماء به رکوع نیست، تمام نیست؛ زیرا مشکل مطرح شده در روایت این بود که شخص می گفت نمی توانم قیام متعارف بدون انحناء کنم، حضرت فرمودند اشکالی ندارد باید بایستد ولو اینکه کمرش خم شود. حال اینکه بگوییم روایت نسبت به کسی که نمی تواند رکوع عن قیام کند اطلاق دارد و بگوییم ایماء به رکوع کنید، عرفیت ندارد. بنابراین ما در مسئله شانزده هم‌نظر با مشهور هستیم که شخص باید بنشیند و رکوع جلوسی به جا آورد.

اما روایتی که مبنی بر ایماء بودن نماز در سفینه مطرح کردند، نمی خواهد بگوید که نماز ایمایی ایستاده بر رکوع و سجود اختیاری مقدم است همچنین نمی خواهد آنچه محقق سیستانی استفاده کرده اند را بگوید که نماز با قیام مقدم بر نمازی است که رکوعش نشسته باشد. این روایت یعنی خیلی از موارد در کشتی این چنین هستند که بخواهیم چه ایستاده و چه نشسته انجام دهید خطر دارد و غالبا اینطور است که ایماء به جا می آورند. الصلاۀ فی السفینه ایماء به این معنا است که انسان مجبور می شود رکوع و سجود اختیاری را ترک کند. بنابراین جمله مذکور قضیه حقیقیه نیست بلکه بیانگر این است که خیلی اوقات در کشتی چنین است که شما از کشتی بیرون می افتید. حال در مانحن فیه که فرض این است که سجود اختیاری می تواند کند دیگر ایماء مطرح نیست. معنا ندارد که بگوییم نماز در سفینه ایماء است. بنابراین جمله مذکور قضیه حقیقیه نیست که نماز در کشتی مطلقا ایماء باشد.

اتفاقا در برخی از روایات نیز آمده است که در سفینه فرموده اند که سجده کند و سجده را به صورت حقیقی به جا آورد:

«وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ قَالَ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ ثُمَّ تُصَلِّي كَيْفَ دَارَتْ تُصَلِّي قَائِماً فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَجَالِساً يَجْمَعُ الصَّلَاةَ فِيهَا إِنْ أَرَادَ وَ يُصَلِّي عَلَى الْقِيرِ وَ الْقُفْرِ وَ يَسْجُدُ عَلَيْهِ».[[9]](#footnote-9)

نماز در سفینه ایماء است یعنی در معرض ایماء است. در روایت دیگر آمده است که:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ مُحَمَّلَةً ثَقِيلَةً إِذَا قُمْتَ فِيهَا لَمْ تَحَرَّكْ فَصَلِّ قَائِماً وَ إِنْ كَانَتْ خَفِيفَةً تَكَفَّأُ فَصَلِّ قَاعِداً»[[10]](#footnote-10).

إن کانت السفینۀ تکفأ یعنی اگر ایستاده بخوانید تکان می خورد و واژگون می شود، بنشینید. یعنی هیچ کاری نمی توانید کنید مگر اینکه ایماء به جا آورید. یعنی در حال نشسته نیز باید ایماء کنید، این حالت را می گوید، ولی نمی خواهد بگوید که کسی که نماز را در حال قیام می خواند و عاجز از رکوع عن قیام است، باید همانطور ایستاده با ایماء نماز بخواند. اصلا دال بر این نیست که شرع نهی از نماز جلوسی کرده باشد. روایات سفینه این مطلب را نمی گوید. پس اگرفرض روایات سفینه این است که تعادل شخص به هم می خورد، ارتباطی به فرض ما ندارد؛ زیرا در فرض ما شخص می تواند کار های دیگر نماز را انجام دهد و هیچ مشکلی ندارد و فقط رکوع عن قیام نمی تواند کند. بنابراین نمی توان گفت و عرفی نیست که گفته شود این روایات ناظر به این مسئله است. بنابراین ما اولا اطلاق این روایات را منکر هستیم و ثانیا حاکم نمی دانیم بر ادله رکوع و نهایت این است که تعارض می کند و اگر مبنا تعارض در واجبات ضمنیه شود نوبت به تخییر می رسد ولی ما می گوییم تعارض نیز نمی کند و امر به رکوع و سجود امر به رکوع و سجود عرفی است و شخص باید بنشید.

## تتمه مسئله 16: ایماء به رکوع در حال قیام و ایماء به سجود در حال جلوس

قبل از اینکه مسئله 17 گفته شود مرحوم سید یزدی تتمه ای را فرموده اند که به بیان آن می پردازیم. ایشان فرموده اند:

«إذا تمكن من القيام لكن لم يتمكن من الركوع قائما جلس و ركع جالسا و إن لم يتمكن من الركوع و السجود صلى قائما و أومأ للركوع و السجود و انحنى لهما بقدر الإمكان و إن تمكن من الجلوس جلس لإيماء السجود و الأحوط وضع ما يصح السجود عليه على جبهته إن أمكن»[[11]](#footnote-11)

این جمله ارتباطی به صدر مسئله ندارد و فرض جدیدی است. شخصی است که اصلا متمکن از رکوع و سجود نیست یعنی رکوع قیامی و رکوع جلوسی را نمی تواند انجام دهد. متمکن از سجود نیز نمی باشد، در این صورت وظیفه اش این است که نماز را ایستاده بخواند و ایماء به رکوع کند. حق ندارد بنشیند و با سر اشاره به رکوع کند. نوبت به سجود نیز که می رسد، ایماء به سجود باید در حال جلوس باشد.سپس این نکته را مطرح می کند که اگر کسی می تواند یک انحناء نیمه ای به رکوع و یا سجود کند، گرچه صدق رکوع و سجود نمی کند ولی لازم است این کار را انجام دهد.

ما قبلا بحث کردیم که دلیلی بر لزوم آن نیست و اگر کسی رکوع و سجود عرفی نمی تواند انجام دهد، باید ایماء کند.

### بررسی کلام محقق یزدی

اینکه سید فرمودند ایماء به رکوع باید عن قیام باشد، بعید نیست که کسی از ظاهر ادله استفاده کند که اگر فرقی بین قیام و جلوس نیست، قیام مقدم بر جلوس است. مراد از استظهار از ادله، استظهار از روایت «أومأ و هو قائم» که در مورد نماز عریان آمده است، نیست؛ زیرا در مورد عریان است و فرض در عریان چنین است که اگر خم شود کشف عورت می شود. مراد از اینکه می گوییم بعید نیست کسی قیام را مقدم کند، از باب مناسبت حکم و موضوع است که اقتضاء می کند که عن قیام ایماء به رکوع کند. بنابراین ممکن است به اطلاق «ان استطعتم فصلوا قیاما» تمسک شود؛ زیرا گرچه از جهت ایماء به رکوع تفاوتی بین حالت قیام و جلوس نیست، لکن از روایت می توان استفاده کرد که قیام مقدم است. بنابراین بعید نیست که کسی این قطعه از فرمایش سید یزدی رحمه الله را قبول کند که نماز ایستاده مقدم بر جلوس است.

اما اینکه برای ایماء به سجود سید فرمودند که بنشیند و سجده کند، دلیلی ندارد. شخص وقتی سجدتین نمی تواند داشته باشد، چه دلیلی دارد که بنشیند و ایماء به سجده کند؟ اقربیت الی السجود نیز اگر مطرح شود، در گذشته جواب دادیم که اقربیت ملاک نیست. کدام روایت می گوید که جلوس به طور مطلق واجب است، تا گفته شود که وقتی عاجز از سجده هستیم، وجوب جلوس را باید رعایت کنیم؟ برخلاف قیام دلیل بر وجوب قیام داریم. عرف از «اذا قوی فلیقم» و از «الصحیح یصلی قائما» وجوب قیام را استفاده می کند. اگر هم بحث جلوس بین السجدتین مطرح شود می گوییم که این جلوس شاید از مقومات سجود حقیقی باشد و معلوم نیست در صورتی که عاجز از سجده هستیم، آن نیز واجب باشد. بنابراین دلیلی نگفته است که جلوس واجب است و اگر کسی متمکن از سجود نبود، بنشیند و ایماء کند. جلوس بین السجدتین نیز وجوبش اطلاق ندارد که بین دو سجده ایمائی را نیز شامل شود. ما می گوییم بعید نیست از مجموع روایاتی که قیام را بر جلوس مقدم کرده است این استظهار شود که وقتی می توان برای ایماء به رکوع ایستاد، نباید بنشیند. بعیدنیست روایات «اذا قوی فلیقم» این مقدار را اقتضاء کند ولی در مورد سجود چنین دلیلی نداریم.

# مسئله 17: دوران بین نماز قیامی با ایماء و نماز جلوسی

مرحوم سید می فرماید:

«لو دار أمره بين الصلاة قائما مومئا أو جالسا مع الركوع و السجود فالأحوط تكرار الصلاة و في الضيق يتخير بين الأمرين»[[12]](#footnote-12)

فرض روشن مسئله این است که دو مکان برای مصلی وجود دارد. یک مکان دارای سقف بلند و تنگ است گه اگر برود آنجا، ایستاده نماز می خواند و ایماء به رکوع و سجود می کند. جای دیگر سقفش تنگ است که می نشیند و رکوع وسجود به جا می آورد. برخی بیمار هستند و می گویند اگر بنشینم توان رکوع و جلوس را داریم ولی اگر بایستم باید رکوع را ایمائی به جا آورم.حال چه بایدکرد؟ اقوال مختلفی نقل شده است که حاکی از اهمیت بحث است و برخی مثل محقق نایینی و مرحوم امام در این مسئله مطلبی را مطرح کرده اند که با فرمایش خود ایشان در جای دیگر تهافت دارد.

أقوال در مسئله چنین است:

1. تعین قیام با ایماء.
2. تعین جلوس و اتیان رکوع و سجود جلوسی.
3. تخییر بین قیام و جلوس. این نظریه مختار محقق خویی است.
4. احتیاط به جمع به دو نماز. این نظریه مختار سید یزدی است.

در جلسه آینده به بررسی این مسئله ان شاءالله خواهیم پرداخت.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره حج ، آيه 77. [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حج ، آيه 77. [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص506، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/506/یصلی) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص170.](http://lib.eshia.ir/10083/3/170/فیقول) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص298.](http://lib.eshia.ir/10083/3/298/یسجد) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص298.](http://lib.eshia.ir/10083/3/298/ایماء)« أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الصَّلَاةُ فِي السَّفِينَةِ إِيمَاءٌ.». [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص295.](http://lib.eshia.ir/10083/2/295/اسجد) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص506، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/506/القیر) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص442.](http://lib.eshia.ir/11005/3/442/قاعدا) [↑](#footnote-ref-10)
11. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-11)
12. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-12)